

شماره نوزدهم / دی ماه ۱۳۹۴



بیج اساتید

نشریه بیج اساتید  
دانشگاه علم و صنعت ایران

آغاز امامت حضرت بقیه الله (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء)  
امید مستضعفان جهان مبارک باد.

میلاد ما میر رحمت و آغاز هفته وحدت مبارک باد



در این شماره می خوانیم:

وحدت امت اسلام

۹ دیماه، حماسه ایی برای دفاع از کیان نظام

از رنجی که می بریم

دل نوشته ایی برای آقای رئیس

فعالیت غیر قانونی کانون

دین افیون ملت هاست؟؟؟!

عاشورا، زیارت اربعین، ظهور

راه را باید رفت

قطره ایی از سبک زندگی اسلامی

فصل اول: «ارتباط با خدا» (۲)



روز بیعت مجدد با رهبری



|   |   |
|---|---|
|  |  |
| <b>وحدت امت اسلام؛</b>  |   |
| <b>پاسداشت هفته وحدت</b>  |   |

آنها به یکدیگر و مهر و محبتی است که خداوند در دل مؤمنین نسبت به هم قرار داده است.

وحدت، مهمترین عامل بقا برای یک جامعه است. کمال، ترقی و پیشرفت جوامع، جز در پرتو وحدت کلمه و برادری، همکاری و هماهنگی میسر نمی گردد.

پژوهش‌ها ثابت کرده است که حتی حیوانات هم آهنگ و متحد، از نعمت بقا و لذات زندگی، از حیوانات قوی که متحد نباشند، بیشتر بهره مند می گردند؛ برای مثال مورچگان با وجود اینکه ضعیفند و دشمنان زیادی دارند، زندگی اجتماعی و اتحاد و اتفاقیان موجب شده که بتوانند به یکدیگر کمک کنند، لانه بسازند، طعام ذخیره نمایند تا کمتر در معرض خطر دشمنان قرار گیرند و به هنگام خطر، چاره بیندیشند و از خطرها در امان بمانند. با این تفاوت که وحدت و هماهنگی حیوانات یک امر طبیعی و غریزی است و حال آنکه انسان از روی تدبر و مقایسه و استدلال، امور را بررسی می کند و انجام می دهد.

وحدت اسلامی که معمار آن پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - بوده است، یکی از عوامل مهم پیشرفت‌ها و پیروزی‌های پی در پی اسلام بوده است. بی شک پیامبر پس از تحمل سختی‌های بسیار که برخاسته از ایمان سرشار الهی او بود، توانست بین قبایل متفرق و متنازع عرب جاهلی، که برخی از آنها سابقه جنگ‌ها و نزاع‌های چند صد ساله داشتند، همدلی و الفت ایجاد کند و براساس وحدت اسلامی، تمدنی نو و جامعه‌ای نمونه بسازد.

را وحدت اسلامی تشکیل داده است. این مسئله و تحقق آن نیز یکی از دغدغه‌های اساسی علمای دینی بوده است.

مسلمانان جهان، چه شیعه و چه سنی، به توحید، معاد، نبوت و رسالت پیامبر، عالم غیب و قرآن کریم اعتقاد و ایمان دارند. آنان رو به یک قبله نماز می گزارند. در یک ماه معین از سال روزه می گیرند و زمان مشخصی در سال به حج می شتابند و مانند هم زکات می پردازند. با وجود این همه نقاط اشتراک در اصول، دسیسه‌های دشمنان اسلام و جهالت برخی ساده اندیشان، موجبات تفرقه و اختلاف‌ها شده است. هفته وحدت، مجالی است تا مسلمانان درباره گذشته و نیز آینده خود بیندیشند و با حفظ وحدت کلمه، در برابر دشمنان دیرینه اسلام، امید آنان را به یأس و پشیمانی بدل سازند.

وحدت اسلامی، به معنای محور قرار دادن تعالیم عالیه اسلام است که پیامبر بزرگوار اسلام براساس وحی، مسلمانان را به آن هدایت کرده است.

تعالیم مسئولانه و نگرش اجتماعی اسلام به مسلمانان سبب می شد آنان به دست واحد توانایی تبدیل شوند و در برابر کفار و معاندینی که با اسلام جنگ و با مسلمانان دشمنی دارند، به رویارویی و دفاع برخیزند. قلب مسلمین جهان براساس آموزه‌های دینی برای یکدیگر می تپد. مؤمنین در کنار یکدیگر احساس امنیت و اقتدار می کنند. مصافحه برادران مسلمان در مراسمی نظیر حج با یکدیگر و در صفوف به هم فشرده نمازهای جمعه و جماعت، گویای عشق و علاقه خدادادی

ربیع الاول چونان هر بهاری است که نسیم‌های پرتراوت و حیاتبخش وجود انسان‌ها را مشعوف می‌کند و بشارتی از انفاس مسیحایی و قدسی است که نوید انسداد بنیان آلودگی‌ها، کینه‌ها، رذائل، تفرقه‌ها و خود برتر بینی‌ها و گشایش دریاچه هدایت، آزادی، عزت، الفت، علم، آگاهی، مهربانی، رحمت و وحدت می دهد. آری گشوده شدن چشم محمد (ص) پیامبر رحمت و وحدت از بشارت به حقیقت پیوست.

امام علی (ع) بزرگترین دستاورد رسول اکرم را ایجاد الفت و اتحاد در میان مسلمانان متفرق و پراکنده می داند و در خطبه ۹۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «دل‌های نیکوکاران شیفته او گشت، عنان دیده‌ها به جانب او متوجه شد، به برکت وجودش خداوند کینه‌های دیرینه را دفن کرد شعله‌های عداوت را فرونشاند و مردم را با یکدیگر الفت داد و برادر ساخت».

یکی از نعمت‌های خداوند بر مسلمانان وحدت است. قرآن کریم در سوره آل عمران، آیه ۱۰۳ می‌فرماید: «به یاد آورید که شما پیش از اسلام با یکدیگر دشمن بودید. پس خداوند میان دل‌های شما الفت برقرار کرد».

بی شک، وحدت مسلمانان از اصول اساسی و محوری است که در هیچ برهه‌ای از تاریخ اسلام بر اندیشمندان مسلمان پوشیده نبوده است. یکی از بحث‌های شکوهمند سیره و سنت نبوی و ائمه - علیه السلام -



## نهم دی ماه؛

### حماسه‌ای برای دفاع از کیان نظام

یکی از اعضای هیات علمی  
دانشگاه علم و صنعت ایران



را باید در اصول بنیادین نظام جمهوری اسلامی جستجو کرد.

ماهیت نظام جمهوری اسلامی متشکل از دو عنصر اصلی اسلامیت و جمهوریت می‌باشد که البته جمهوریت خود ریشه در اسلامیت نظام دارد. فتنه ۸۸ بزرگترین و وسیع‌ترین فتنه‌ای بود که علیه رکن جمهوریت نظام طراحی و پیاده‌سازی شده است. بر خلاف اکثر فتنه‌های تجربه شده در تاریخ انقلاب اسلامی ایران که رکن اسلامیت نظام را نشانه گرفته بودند، فتنه ۸۸ اتکاء نظام به رای جمهور را هدف قرار داده بود. در واقع سران داخلی و خارجی فتنه بر بی‌اعتبار کردن رای ملت در ساختار حکومت ایران همت بسته بودند. آنچه در آن ایام توسط سران فتنه مورد اصرار قرار گرفته و از رهبری نظام

نهم دی ماه ۱۳۸۸ پایانی قاطع بر فتنه‌ای بود که جبهه باطل با تمام عرض و طولش چشم امید و کمر همت به آن بسته بود. تاکنون در باب فتنه ۸۸ و حماسه نهم دی ماه نگارندگان بسیار نگاشته‌اند، لیکن آنچه در این سطور از نظر می‌گذرد نگاهی متفاوت به ریشه‌ها و انگیزه‌های شکل‌گیری حماسه نهم دی ماه می‌باشد. پرواضح است که حماسه‌ای به عظمت حماسه نهم دی، نه برای حمایت از یک جریان حزبی و گروهی و یا حتی نامزد ریاست جمهوری، و نه در جهت نفی یک گروه یا جریان سیاسی، بلکه قیامی تمام‌قد در حمایت از اصل نظام جمهوری اسلامی بوده است. لذا انگیزه حاضران در حماسه نهم دی و ریشه‌های شکل‌گیری این حماسه کم نظیر

منظور از وحدت اسلامی، وحدتی است که عامل قاطع پیروزی است. این نوع از وحدت، وحدت دل‌هاست و تحقق آن وابسته به عوامل مادی نیست و برخاسته از ایمان به توحید و معاد است، اما وحدت‌هایی که براساس منافع سیاسی، قومی و قبیله‌ای و طبقاتی و یا براساس عامل جغرافیایی است، وحدت حقیقی به شمار نمی‌آید و از این رو، پایدار نیست. سراسر سیره رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - سرشار از وحدت بخشی بین مسلمانان و پرهیز از اختلاف و تفرقه است که از مشهورترین آنها ایجاد پیمان اخوت بین مهاجرین و انصار بوده است.

مقام معظم رهبری در خصوص هفته وحدت و لزوم اتحاد مسلمانان می‌فرماید: «این هفته وحدت، این هفته مشترک الاحترام بین مسلمین را قدر بدانید، همه سعی کنند وحدت و اتحاد نیروها و در یک جبهه قرار گرفتن نیروهای مسلمین را که رمز سعادت و مایه سربلندی مسلمین و بزرگترین حربه ملت‌ها در مقابل استکبار جهانی است مغتنم بشمارند و قدر بدانند». لزوم حفظ اتحاد همواره مورد توجه مسئولان نظام اسلامی در ایران بوده است. شهید مطهری (ره) در خصوص اهمیت وحدت مسلمانان می‌نویسد:

«چه خوب گفته است علامه فقیه کاشف الغطاء «بنی الاسلام علی کلمتین: کلمه التوحید و توحید الکلمه» یعنی اسلام بر روی دو اصل و دو فکر بنا شده است. یکی اصل پرستش خدای یگانه است، دیگری اصل اتفاق و اتحاد جامعه اسلامی است».

مطالبه شد، و تو کردن نتیجه رای مردم در انتخابات بود. اردو کشی خیابانی در کنار چانه زنی و مذاکره با خواص و تحت فشار قرار دادن رهبری انقلاب، تاکتیک‌هایی بود که سران فتنه برای تعیین نتیجه انتخابات در اتاق‌های در بسته استفاده کردند. شرح مذاکرات نمایندگان نامزدهای انتخابات سال ۸۸ با رهبر معظم انقلاب که بعد از مدتی منتشر و در اختیار عموم مردم قرار گرفت، به روشنی گواه این ادعاست. در جلسه مذکور نماینده نامزد اصلی شکست خورده بدون استناد به هیچ سند و مدرک مستدلی ابطال انتخابات با حکم حکومتی مقام معظم رهبری را طلب می‌کند که در پاسخ رهبر فرزانه انقلاب قاطعانه این خواسته نامشروع را رد کرده و تمام قد از رای مردم که حکم امانت را دارد، محافظت می‌فرماید. شاید حتی این دفاع جانانه رهبری در آن مقطع برای برخی همراهان انقلاب هم کمی سخت‌گیرانه به نظر می‌رسید؛ اما آنان که شناختی عمیق از اندیشه حضرت امام (ره) و نایب شایسته ایشان داشتند، می‌دانستند که در انتخابات میزان رای ملت است. پایبندی رهبری بر این اصل قانونی و عدم اجابت خواسته‌های برخی خواص منحرف و سران فتنه هر چند هزینه‌هایی را به نظام و شخص رهبری

تحمیل کرد، لیکن دستاورد شیرین آن حفظ جمهوریت نظام بود. این پافشاری بر اصول اصلی انقلاب و به جان خریدن هزینه‌های آن رمز عدم انحراف انقلاب اسلامی ایران در سی و اندی سال گذشته بوده است. یکی از ویژگی‌های منحصر بفرد انقلاب اسلامی، بر خلاف تمام انقلاب‌های دیگر، عدم انحراف از اصول اولیه با وجود گذشت زمان قابل توجه از تأسیس آن بوده است.

هر چند که حماسه نهم دی ماه ۱۳۸۸ پرونده فتنه و فتنه‌گران را مختومه کرد، لیکن جریان فتنه و سران داخلی و خارجی آن، اکنون که مدتی از حوادث آن مقطع می‌گذرد، با حرکتی خرنده سر از لانه بیرون آورده‌اند. تطهیر چهره سران فتنه، عادی‌سازی حضور مجدد آن‌ها در فضای سیاسی کشور و یا ترویج اندیشه‌های آنان در سطوح مختلف در کنار تطهیر چهره استکبار جهانی و در راس آن آمریکا و عادی‌سازی حضور آن‌ها در فضای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران، استراتژی امروز جریان فتنه برای احیاء جریان برانداز می‌باشد. آنچه در بین تأمل‌برانگیز به نظر می‌رسد نفاق‌ورزی قابل توجه این جریان می‌باشد. اصل اساسی اندیشه این جریان منافع گروهی است و در راستای

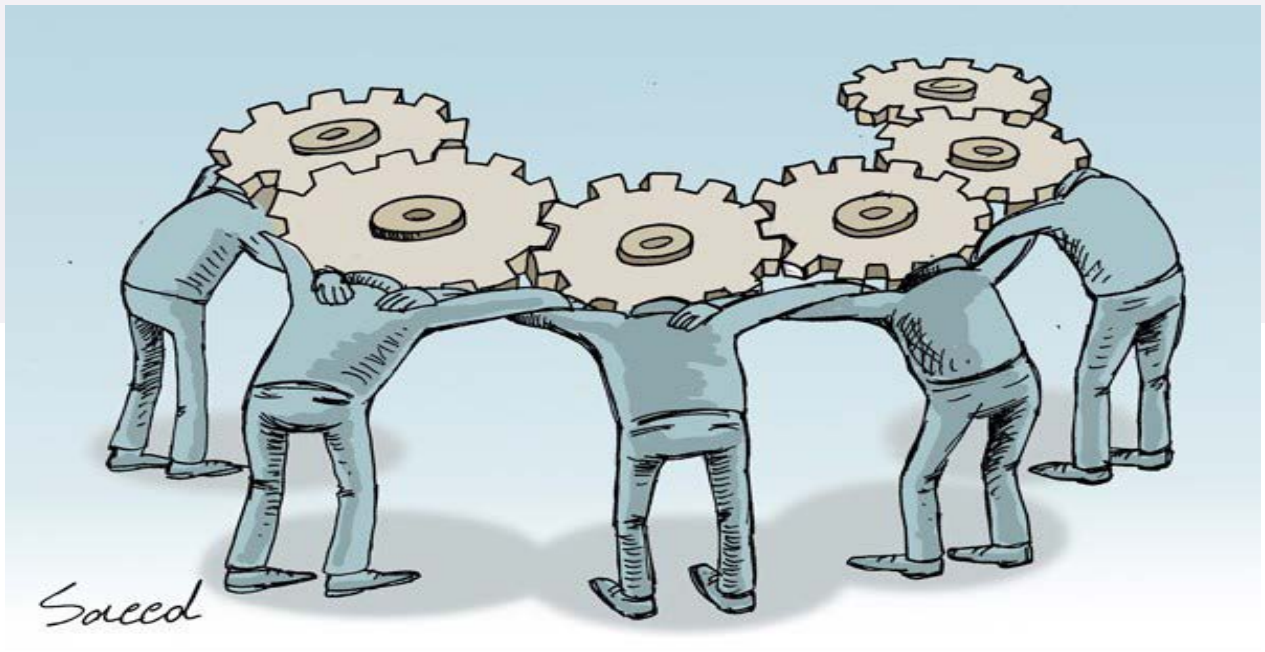
رسیدن به آن استفاده از هر ابزاری را جائز می‌شمارند. لذت روزی حکم حکومتی را غیرقانونی می‌دانند و روز دیگر درخواست ابطال انتخابات با حکم حکومتی را دارند؛ روزی بر رای مردم تأکید و گاهی دیگر آن را عوامانه و جاهلانه خطاب می‌کنند؛ در زبان پیروی از فرامین رهبری را شعار می‌دهند و در عمل گرایش به جبهه استکبار و کاهش حمایت از جبهه مقاومت را دنبال می‌کنند؛ از پیشرفت ایران دم می‌زنند اما به هنگامه عمل دستاوردهای علمی را انکار کرده و توانایی جوانان ایرانی را زیر سوال می‌برند.

آری ای برادر، آنچه نیاز امروز ماست بصیرتی افزون‌تر از گذشته می‌باشد؛ چرا که تجربه فتنه ۸۸ و حماسه نهم دی ماه آن سال باعث شده که جریان فتنه این‌بار در لفاف تأیید نظام بر زبان، خلاف آن را در عمل دنبال می‌کند. بیداری و بصیرت‌ورزی، دقت بر آنچه که اصل است و عدم اصرار بی‌جا بر موضوعات فرعی، شناخت عمیق از دین و انقلاب در مقابل نگاه قشری و صرفاً احساسی به آن، درک نقشه نفوذ دشمن و نقش جریان فتنه در آن دستگیره‌هایی هستند که در سایه الطاف الهی می‌توانند نقشه امروز دشمنان را نقش بر آب کنند.



نزدی  
همه





طرح سربازی دانشگاه پرداختند. ایشان اظهار داشتند که براساس قانون، بعد از پایان دوره تعهد طرح سربازی، بایستی صلاحیت عضو هیات علمی اعم از عمومی و تخصصی توسط هیات جذب دانشگاه بررسی مجدد شود. بنابراین چنانچه اعضای هیات علمی طرح سربازی دانشگاه تمایل به ادامه همکاری با دانشگاه دارند، با هیات جذب مکاتبه نموده تا بلافاصله درخواست آنها با اولویت در جذب بررسی شود. در تکمیل این موارد، دکتر شجاعی فرد، اظهار داشتند که تمامی درخواست‌های مرتبط با ۶ نفر از اعضای هیات علمی طرح سربازی دانشگاه که دوره تعهد آنها به اتمام رسیده است، به جذب رسیده است و بایستی انشاءالله زودتر در جذب اقدام گردد.

در ادامه دکتر سیدین توضیحاتی پیرامون اعضای هیات علمی که فرم فراخوان سراسری جذب وزارت علوم را پر نکرده‌اند ارائه نمودند. ایشان اظهار داشتند که ۱۰ یا ۱۱ نفر از اعضای هیات علمی جوان دانشگاه با این مشکل مواجه هستند و بایستی حتما در فراخوان شرکت کنند. دکتر برخورداری که به جمع اساتید پیوسته بودند، بیان داشتند که برای حل این مشکل ما مرجع تصمیم‌گیری نیستیم و براساس قانون افرادی که بعد از سال ۹۱ استخدام شده‌اند، بایستی حتما در فراخوان شرکت کرده باشند و این ثبت نام بایستی پس از فارغ التحصیلی دوره دکتری باشد. بنابراین بایستی این افراد امسال در فراخوان شرکت کرده باشند که



## از رنجی که می‌بریم...

یکی از اعضای هیات علمی دانشگاه علم و صنعت ایران

قرارداد اعضای هیات علمی پیمانی با سابقه بیش از ۵ سال سابقه که تعدادشان ۲۵ نفر می‌باشد مواردی را متذکر شدند. طبق توضیحات ایشان، براساس جلسه مورخ ۱۶/۸/۹۴ هیات امنای دانشگاه، مجوز تمدید قرارداد یکساله برای ۱۷ یا ۱۸ نفر از این اساتید که تمامی مراحل مربوط به تبدیل وضعیت را سپری کرده‌اند و بعضا پرونده آنها در وزارتخانه است، صادر شد. با توجه به زمانبر بودن فرآیند اداری ابلاغ مصوبات این جلسات، مصوبه به جذب به صورت غیررسمی ابلاغ گردید که همان روز نامه‌ای برای امور اداری جهت تمدید قرارداد یکساله این افراد با امضای آقای دکتر برخورداری تنظیم و ارسال گردید. برای افراد باقیمانده از این جمع، اختیار هیات امنای به هیات رئیسه تفویض گردید که در جلسه دیروز هیات رئیسه قرار شد کارگروهی برای بررسی و تعیین تکلیف این افراد براساس پرونده تبدیل وضعیت آنها که قبلا به دانشکده‌ها ارسال شده است و بعضا در دانشکده‌ها با مشکلات مواجه شده، راسا تصمیم‌گیری کند.

معاون پشتیبانی دانشگاه در ادامه به مشکلات مربوط به اعضای هیات علمی

گزارش جلسه پرونده و وعید هم‌اندیشی اساتید با حضور رئیس و معاون پشتیبانی دانشگاه به منظور حل مشکلات تمدید قرارداد اساتید جوان جلسه هم‌اندیشی اساتید جوان دانشگاه با میزبانی نهاد مقام معظم رهبری و با حضور مسئول نهاد، رئیس دانشگاه، معاون پشتیبانی، دکتر شجاعی فرد عضو هیات جذب دانشگاه و دکتر علی‌احمدی و دکتر معینی با موضوع مسائل مربوط به تمدید قرارداد اعضای هیات علمی جوان دانشگاه برگزار گردید.

به دلیل ناهماهنگی‌های صورت گرفته، جلسه با حضور آقای دکتر سیدین و دکتر نصیری به نمایندگی از رئیس دانشگاه آغاز گردید که البته در اواخر جلسه رئیس دانشگاه نیز به این جمع پیوستند و توضیحات تکمیلی پیرامون مسائل مطروحه ارائه کردند. اهم موضوعات و وعده‌های مطرح شده توسط مسئولین دانشگاه براساس شنیده‌های مضبوط مطروحه در این جلسه پیرامون بحث تمدید قرارداد اساتید جوان دانشگاه در ادامه آمده است:

دکتر سیدین پیرامون مشکلات تمدید

البته به آنها هم اطلاع داده شده است. البته برخی از این افراد در اعلام نیازهای امسال دانشگاه نبوده است و ثبت آنها در فراخوان ممکن نبوده که بایستی با تعامل با وزارت علوم برای آنها راه حل مناسب پیدا شود. با توجه به نظر مسئول نهاد و درخواست اساتید، مقرر شد که برای حل این مشکل اداری پیگیری‌های بیشتری با شورای عالی جذب، آقای رضوان طلب و سایر مسئولین توسط رئیس دانشگاه انجام شود.

دکتر برخوردار پیرامون ۸ نفر از اعضای هیات علمی جوان دانشگاه که براساس اظهارات ایشان، جذب رای به تمدید قرارداد ۶ ماهه آنها داده است اظهار داشتند که مقرر شد به این اساتید ۶ ماه فرصت داده شود تا توان علمی خود را ارتقاء دهند.

در ادامه جلسه براساس اظهارات برخی از اساتید که حدود ۸ نفر هم بودند که مشکل آنها در هیچ یک از گروههای فوق‌الذکر قرار نداشت. مواردی مانند عدم اختصاص بدون دلیلدرس و دانشجو به استاد، عدم دعوت به جلسات گروه و ... از این جمله‌اند. دکتر برخوردار مسائل مربوط به آنها را موارد خاص دانست که بایستی برای حل مشکلات آنها بررسی‌هایی توسط رئیس دانشگاه با همکاری نهاد و آقای دکتر شجاعی‌فرد انجام شده و راه حل‌های مناسبی اتخاذ گردند.

در این جلسه، همچنین توسط اساتید؛ مباحثی پیرامون اصلاح آیین نامه پراشکال و غیرمنطقی تمدید قرارداد اعضای هیات علمی مطرح شد. همچنین پیرامون نامه محرمانه رئیس دانشگاه به اغلب اعضای هیات علمی جوان دانشگاه برای ارائه اصل مدارک تحصیلی و ریزنمرات مباحثی مطرح شد و اساتید مراتب گلایه‌مندی خود را از این کار توهین‌آمیز دبیرخانه جذب اعلام داشتند. چرا که این مدارک در هنگام استخدام توسط اعضای هیات علمی به دبیرخانه هیات جذب تحویل داده شده است و درخواست مجدد آنها پس از چند سال از بدو استخدام، بسیار مبهم، توهین‌آمیز و شک برانگیز می‌باشد. حال همه منتظر عملی شدن وعده‌های مطرح شده در این جلسه هستند که البته دارد دیر می‌شود.

## دل نوشته ای



### برای آقای رئیس



یکی از اعضای هیات علمی دانشگاه علم و صنعت ایران

دیگر نیز، این سیاستها و شعارها، بارها و بارها از سوی شما تکرار شد و همچنان نیز تکرار می‌شود. آقای دکتر، با توجه به اینکه از بدو قبول ریاست دانشگاه، مواردی همچون حفظ حرمت و کرامت انسانی، قانونمندی و شفافیت را اصول لایتغیر مدیریتی خود اعلام فرموده اید به عنوان یکی از اعضای هیأت علمی این دانشگاه سوالات زیر را در محضر افکار عمومی دانشگاه طرح می‌نمایم و امیدوارم در پیشگاه افکار عمومی دانشگاه که خیر ولی حداقل در پیشگاه وجدان و ضمیر خود پاسخ قانع کننده ای برای این سوالات داشته باشید:

- مستحضرید که قرارداد جمع قابل توجهی از همکاران پیمانی (بیش از چهل نفر از اساتید) بر خلاف توافق اعضای محترم هیأت اجرایی جذب دانشگاه به صورت شش ماهه صادر شده است. با توجه به آنکه تنها نهاد قانونی در خصوص تمدید یا عدم تمدید قرارداد اساتید پیمانی و کیفیت تمدید آن، هیأت اجرایی جذب دانشگاه است و با توجه به شعار خود مبنی بر قانونمندی لطفاً توضیح دهید که چرا بر خلاف توافق به عمل آمده در این هیأت، قرار داد این تعداد از اساتید به صورت شش ماه صادر شده است و چرا به جایگاه و اختیارات قانونی این هیأت تعرض شده است؟

- با توجه به شعار خود مبنی بر شفافیت لطفاً اعلام فرمایید که چه سیاستها و اهدافی پشت موضوع شش ماهه شدن قرارداد این اساتید نهفته است؟

- حتماً مستحضرید که برخی از اساتید جوان دانشگاه با وجود سوابق ارزشمند آموزشی و پژوهشی، طی ترم جاری از برخی حقوق اولیه خود نظیر تدریس و یا اختصاص دانشجو محروم شده‌اند. جالب آنکه اغلب این افراد طی ترم های اخیر کارنامه حائز توجهی داشته

آقای دکتر برخوردار سلام. مدتی است که با توجه به مسائل و حاشیه‌های اخیر که برای جمعی از اساتید جوان و همکاران محترم به وجود آمده است در صدد بودم که مطالبی را با شما در میان بگذارم تا آنکه تصمیم گرفتم این دل نوشته را خطاب به جنابعالی منتشر نمایم و امیدوارم که فرصت اختصاص دادن دقایقی کوتاه برای خواندن این متن را داشته باشید. اگر به یاد داشته باشید، شما بارها و بارها در مجامع عمومی مختلف دانشگاه، بر شعارها و سیاست‌هایی نظیر حفظ کرامت انسانی، قانون مداری، شفافیت و غیره تأکید داشته‌اید. برای مثال، توجه شما را به این جملات جلب می‌نمایم:

"چند نکته را در جمع اعلام می‌کنم و از این مواضع عدول نمی‌کنم. اول اینکه قصد دارم و شما نیز باید از من بخواهید از خرد جمعی و مشارکت عمومی همه همکاران استفاده کنم و مکانیزم‌های آن را هم پیدا می‌کنیم. دیگر اینکه اعتقاد دارم و در گذشته نیز اثبات کرده‌ام همه افراد از کارگر زحمت کش باغبانی تا استاد گرانقدر و کارکنان و دانشجویان عزیز را دوست دارم و حرمت انسانی بالا برایشان قائلم. یقیناً باید به هم احترام بگذاریم و این به آرامش محیط کمک می‌کند. موضوع دیگر قانونمندی است به این معنا که همه افراد - چه پایین دست و چه بالا دست - باید قانون را رعایت کنند و من تضمین می‌دهم چنانچه مطلع شوم، اجازه ندهم حقی از کسی تضییع شود. باید فراغ بال، آرامش، تامین حقوقی، اخلاقی و قانونی وجود داشته باشد... بر قانونمندی و شفافیت اصرار و تاکید دارم و تضمین می‌کنم چنین کنم". اینها جملات شما در مراسم معارفه تان در دی ماه ۹۲ است که عیناً از سایت دانشگاه کپی شده است و البته در بسیاری از جلسات



که جرم بزرگ و دلیل محرومیت های این اساتید را اعلام نمایند.

آقای دکتر برخوردار عزیز، باور بفرمایید که عمر ریاست کوتاه تر از آن است که من و شما می پنداریم. خدا رحمت کند رئیس فقید دانشکده عمران و همکار عزیزمان آقای دکتر عباس نیا را. بنده شناخت چندانی از ایشان نداشتم اما پس از فوت ایشان در وصف سجایای اخلاقی و صفات نیک ایشان موارد قابل توجهی را شنیده ام. چه خوب است که انسان ها در هر جایگاهی که هستند چنان رفتار کنند که اگر روزی قضای الهی بر رفتن آنها جاری شد نام نیکی از آنها در میان همکاران و دوستانشان بر جا بماند؛ و چه خوب است که بنده و شما برای یک لحظه هم که شده خود را به جای ایشان تصور نماییم و ببینیم که اگر قرار بود به جای ایشان، ما این دار فانی را وداع نماییم آیا اکنون پاسخ قابل قبولی برای رفتار و گفتار خود در محضر الهی داشتیم یا خیر؟ باید بدانید که پاسخگویی در پیشگاه الهی به این سادگی نیست و آنجا کسی قضاوت خواهد کرد که بر همه چیز آگاه است و برای قضاوت نیازی به توضیحات شما ندارد.

اینها را از زبان جمعی از همکاران نوشتیم تا اتمام حجتی باشد بر شما؛ اگر در صدد جبران اشتباهات گذشته برآمدید که خوشا به حالتان ولی اگر به این درد دل واقعی ننهادید بدانید که در پیشگاه الهی در قبال ظلم آشکار به این دسته از اساتید بایستی پاسخگو باشید و چه سخت است پاسخگویی در دادگاه عدلی که قاضی آن، خود شاهد همه چیز نیز بوده است...

والسلام علی من اتبع الهدی

شما در جلسه معارفه تان است. با توجه به این مهم، لطفا بفرمایید که آیا رویکرد مدیریتی جنابعالی مبنی بر شش ماهه شدن حکم اساتید و سکوت در برابر پیمان شکنی حقوق قانونی همکاران، می تواند آرامش لازم برای فعالیت علمی و پژوهشی پرنشاط را فراهم آورد؟ بنده بارها از لسان این همکاران شنیده ام که امسال تمرکز و نشاط علمی لازم برای فعالیت پژوهشی را ندارند. البته حق هم دارند، زیرا کسی که نمی داند شش ماه دیگر در این دانشگاه حضور دارد یا خیر و یا کسی که به ناحق از حضور در کلاس درس و راهنمایی رساله و ... محروم است چطور می تواند به جابجایی مرزهای علمی روز دنیا بیاورد؟ آیا فکر نمی کنید که این رویکرد شما منجر به افت علمی این دسته از اساتید و بالتبع افت علمی کل دانشگاه می گردد؟

- در خصوص شعار شما مبنی بر حفظ حرمت و کرامت انسانی، نمونه های متعددی وجود دارد که نشان می دهد نه تنها این شعار در دوران ریاست شما به طرز شایسته رعایت نشده است بلکه بعضاً بی حرمتی های آشکاری نیز به برخی از همکاران می شود. برای مثال طبق اطلاع بنده برخی از همکاران محترم با وجود داشتن حکم پیمانی (و حتی بعضاً رسمی) از حضور در جلسات گروه خود محروم هستند و جلسات گروه بدون اطلاع رسانی به این عزیزان برگزار می گردد که ظاهراً خود شما نیز در جریان این موضوع هستید؛ دروس برخی دیگر را گرفته اند و به اساتید مدعو از بیرون دانشگاه (و حتی بعضاً به دانشجویان دکتری) واگذار کرده اند! به نظر شما آیا این نوع محرومیت های حیرت انگیز با رعایت شأن و کرامت اساتید تطبیق دارد؟! چه خوب است که حداقل از مدیران قانونمدار خود بخواهید

اند (برای مثال طبق اطلاع بنده برخی از این اساتید در ترم گذشته حائز رتبه های اول و دوم گروه خود در ارزیابی های آموزشی شده اند و تألیفات پژوهشی متعددی نیز داشته اند). آقای دکتر، شما مدعی شدید که من تضمین می دهم چنانچه مطلع شوم، اجازه ندهم حقی از کسی تضییع شود. لطفا بفرمایید دلیل سکوت شما در قبال تضییع حق این اساتید چیست و چرا با وجود مراجعه مکرر دوستان به شما هیچ اقدام مؤثری برای احقاق حقوق قانونی این اساتید انجام نداده اید؟ آیا محروم کردن اساتید از حق تدریس و ... قانونی است؟! آیا این حیرت آور نیست که در نظامی که منتسب به شریعت اسلام است برخی اساتید متعهد و ارزشی (که صلاحیت علمی و آموزشی خود را در ترم های قبل اثبات نموده اند) از تدریس محروم شوند و همزمان، برخی اساتید هتاک به ارزش های انقلاب و اسلام، به راحتی بر سر کلاس های درس حاضر شوند و بی دغدغه به تدریس و در عین حال ایمیل پراکنی های هتاکانه خود ادامه دهند؟! آیا این است معنای قانونمندی و حفظ کرامت انسانی؟! ضمناً طبق اطلاع بنده، به دلیل سکوت و بی تفاوتی شما در قبال محرومیت برخی اساتید ارزشی از تدریس، متأسفانه تضییع حقوق قانونی این همکاران در برخی دانشکده ها گسترش یافته است و اخیراً برخی از این دوستان از گرنت پژوهشی سال جاری خود نیز محروم شده اند! قطعاً اگر از ابتدا در قبال محروم کردن اساتید از تدریس عکس العمل نشان می دادید امروز شاهد گسترش بی قانونی و محروم شدن برخی اساتید از گرنت پژوهشی نبودیم.

- "لازمه انجام هر حرکت مثبتی، آرامش است ولی چگونه؟ این کاریست دشوار و لازم و غیر از این راهی نیست". این جمله خود



## فعالیت غیر قانونی کانون

### نوشتاری بنا به درخواست تعدادی از اساتید دانشگاه

مماشات بوده است. تنها یک جواب سرد از ایشان مبنی بر عدم امکان شرکت در جلسه آنها در اختیار است.)

۳- اینها می‌خواهند کارهای مثبتی از جمله تامین مسکن برای اساتید جوان انجام دهند. (دیدیم که در عوض تامین مسکن برای اساتید جوان، به اطلاعات دسترسی یافته و از جذب آنها در دانشگاه به مراکز خارج دانشگاه شکایت کردند.)

۴- تقاضای مجوز به وزارت کشور داده‌اند. (حتی اگر مجوزی از وزارت کشور بگیرند، طبق ماده ۲ آئین‌نامه تشکل‌ها مربوط به فعالیت در داخل دانشگاه نخواهد بود.)

همانطور که ملاحظه می‌شود هیچکدام از توجیهات فوق وجاهت قانونی برای فعالیت کانون در داخل دانشگاه ندارند و استفاده از شیوه "راه بینداز، جابینداز" در شان دانشگاه آن هم به نام اساتید شریف دانشگاه صحیح نمی‌باشد.

با توجه به موارد مطرحه، از ریاست دانشگاه انتظار می‌رود در فعالیت غیر قانونی کانون در داخل دانشگاه تجدید نظر نمایند و از هیئت مدیره کانون که بصورت رسمی ناشناس هستند، انتظار می‌رود به قوانین احترام بگذارند و مراحل قانونی را برای فعالیت در داخل دانشگاه اخذ نمایند.

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که انجام تمام مراحل سه گانه فوق، علاوه بر داشتن صورتجلسه، می‌بایستی طی یک نامه رسمی از طرف دبیرخانه هیئت نظارت بر تشکل‌ها به اطلاع هیئت موسس کانون رسیده باشد و توجیهاتی از قبیل گم کردن یا شفاهی بودن وجاهت قانونی ندارد. همه و از جمله خود مدعیان کانون می‌دانند که نه صورتجلسه‌ای موجود است و نه نامه‌های تایید رسمی. اخیراً برای اعلام تایید مرحله اول مربوط به تاسیس یک تشکل خاص، ریاست دانشگاه حتی منتظر دبیرخانه هیئت نظارت نشدند و شخصاً نامه تایید را به هیئت موسس آن تشکل ابلاغ نمودند، آنوقت چگونه پذیرفتنی است که کانون نامه تایید هیچکدام از مراحل را نداشته باشد.

اما اهم آنچه که تاکنون بعضی افراد همچون ریاست دانشگاه در دفاع از فعالیت این کانون بیان نموده‌اند، عبارتند از:

۱- حدود ۱۲ سال پیش طی جلسه‌ای اعلام موجودیت شده است. (این امر تنها بعنوان مرحله اول جهت تقاضای تاسیس به هیئت نظارت باشد).

۲- روسای قبلی دانشگاه آنها را حمایت کرده‌اند. (لااقل در هشت سال دوره ریاست قبلی، حمایتی در کار نبوده است و حداکثر

مدتی است افرادی تلاش دارند تا تحت عنوان کانون موسوم به صنفی، در امورات دانشگاه دخالت وسیعی داشته باشند. مدیریت جلسات مهم مدیریتی، برگزاری مسابقات ورزشی، شکایت از مصوبات دانشگاه، صحبت با وزیر علوم بعنوان نماینده اساتید، جمع‌آوری طومار و ... تنها چند نمونه هستند. در این نوشتار تحلیلی، تلاش می‌شود، فعالیت این کانون در داخل دانشگاه تنها با استناد به قوانین بصورت منطقی بررسی شوند.

آنچه مسلم است آنکه طبق مواد ۲ و ۳ آئین‌نامه تشکل‌های اسلامی، تاسیس و فعالیت تشکل‌ها در داخل دانشگاه باید طبق آئین‌نامه تشکل‌های اسلامی باشد. طبق این آئین‌نامه، تاسیس و فعالیت یک تشکل نیاز به طی مرحله‌ای دارد که به تفصیل در ماده ۳ آئین‌نامه آمده است. متأسفانه کانون موسوم به صنفی، این مراحل قانونی را طی نکرده است. از جمله مراحل طی نشده عبارتند از:

۱- دریافت موافقت اصولی هیئت نظارت بر تشکل‌ها با تشکیل کانون (بند ۳-۳).

۲- بررسی و تصویب اساسنامه کانون توسط هیئت نظارت بر تشکل‌ها (بند ۳-۵). با نگاهی ساده به اساسنامه اعلامی کانون می‌توان موارد متعدد تناقض با ماده ۵ دستورالعمل اجرایی آئین‌نامه تشکل‌های اسلامی را متوجه شد.

عدم تصریح به التزام به ولایت مطلقه فقیه، قوانین موضوعه کشور و آیین‌نامه‌های مصوب، عدم نظارت هیئت نظارت بر انتخابات کانون و دریافت حق عضویت از اعضاء تنها چند مصداق تناقض هستند. همچنین مواردی مانند انتخاب هیئت مدیره به مدت سه سال (و نه یک سال) و عدم اعلام علنی نام آنها بی‌سابقه و مشکوک هستند.

۳- صدور مجوز کانون توسط هیئت نظارت بر تشکل‌ها (بند ۳-۵).







????!!



## دین افیون ملت هاست!!!!

است که در اینجا آنها را ذکر نمی کنیم) به هر حال این نظریه مارکس و مارکسیستها درباره منشأ دین است.

توضیح بیشتر: مارکس در فلسفه تاریخ، تاریخ را به چهار دوره تقسیم کرد: ۱. دوره اشتراکی اولیه. ۲. دوره مالکیت زمین. ۳. دوره سرمایه داری. ۴. دوره سوسیالیستی. [۲] او می گوید: جبراً تاریخ از این مرحله اول رشد کرده تا به دوره‌های بعد رسیده و بعد جبراً به دوره سوسیالیستی میرسد (جبر تاریخ). در دوره اشتراکی اولیه دین وجود نداشته است و دوره مالکیت جامعه به طبقه استثمارگر و استثمار شده و رنج‌دیده و ضعیف تقسیم می شود که طبقه استثمارگر یعنی طبقه حاکمه از طبقه محکوم و استثمار شده به نفع خود کار می کشید و سود می برد، طبقه استثمار شده از فلاکت و بدبختی به ستوه آمده و به فکر قیام افتادند استثمارگران از عامل درونی و معنوی رنجیدگان (سوء استفاده کرده) و دین را اختراع کرده است. [۳] طبقه حاکمه برای کنترل طبقه محکوم از دو عامل درونی و بیرونی بهره گرفته است: ۱. عامل بیرونی یعنی ایجاد حکومت و دستگاه حکومتی ۲. عامل

گوینده این مطلب که «دین افیون جامعه و ملت هاست» کارل مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳ میلادی) نویسنده و اقتصاددان آلمانی است این فرد از فوئر باخ - که یک فیلسوف آلمانی است و اندیشه اومانیستی دارد و انسان را مدار و معیار همه چیز می پندارد - پیروی کرده و تفکر ماتریالیستی و مادیگرایی او را سر و سامان بخشیده است و در نظریات خود ابداع جدیدی بجز نظریه مادی گرایی تاریخی (ماتریالیست تاریخی) ندارد در همین راستا و در ضمن نگرش مادی به جهان هستی و انکار متافیزیک و ماوراء هستی، نیروی محرک تاریخ را «عامل اقتصاد» می‌کند. کارل مارکس «معتمد است عموم پدیده‌های اجتماعی اعم از سیاست و فرهنگ و علم و فلسفه و حتی مذهب، مولود همین موضوع است» [۱] تفکر مارکسیستی ذوق و هنر و فرهنگ و دین و سیاست و علم و فلسفه را در جامعه «روبنا» نام نهاده و عامل اقتصاد را «زیربنا» معرفی کرده است. بنابراین تمام اوضاع و احوال اجتماعی بستگی به شرایط زیربنا دارد و از این رهگذر دین نیز که یک روبنا است ساخته و پرداخته اقتصاد است. (البته نظریات مختلفی در انگیزه و عامل پیدایش مذهب ارائه شده

در پی انتشار شب نامه ای غیر منتظره از یکی از اساتید دانشگاه با کلمات رنگ و لعاب دار دقیقاً همان جمله قدیمی مارکس که "دین افیون ملت هاست" برای من تداعی شد. ولی هر لحظه به اعتقاد من در حقانیت و صداقت دین مبین اسلام افزود و چرا که این مسائل از موارد شبهات گذشته ای است که قبلاً به آن جواب داده شده است و اکنون با اطلاع یا بی اطلاع مجدداً با نوع کلامی دیگر مطرح می گردد. در اینجا با وجود اینکه ارسال کننده مطالب را حائز تفکر در این زمینه نمی دانیم تنها به بحثی در این زمینه از استاد شهید مطهری که ید طولایی در مقابله با افکار مارکسیستی دارد می پردازیم. قبل از پاسخ سؤال باید بگوئیم که این تفسیر ظالمانه از دین توسط چه کسی صورت گرفته و بعد توضیح و بسط این بیان و سپس نقد آن و در آخر نظر قرآن را درباره دین بیان میکنیم و قبل از هر چیز باید به جهت عدم گنجایش مقاله برای بسط نظریات و نقدهای فراوان این نظریه معذرت بخواهیم.





**امام‌خامنه‌ای (ره)**

**اگر ما بخواهیم این نظام در ذهن مردم تعمیق بشود و حرکت انقلابی این مردم ، همچنان ادامه پیدا کند ، باید افکار شهید مطهری در بین مردم رواج پیدا کند**



BasijPress.ir  
Designer: Ali Asadi



درونی یعنی درست کردن دین برای کنترل محکومان از درون. دین با تعلیمی که دارد مردم را، ملتها و جامعه را به حالت تخریبی میبرد کآن کاری میکند که آنها یادشان برود که می خواستند قیام کنند و بساط استثمار و استعمار و ظلم را برچینند، چگونه دین حالت تخریبی دارد؟ به این شکل که دین میآید و به مردمی که میخواهند قیام کنند، می گوید: شما ناراحت نباشید خدا و قیامتی وجود دارد که در آنجا خداوند به حساب ظالمان رسیدگی میکند و آنان را در آتش میسوزاند و باز اگر کسی چیزی بخواهد بگوید و اعتراضی بکند دین از حربه «قضا و قدر» استفاده میکند و می گوید این قضا و قدر الهی است که شما چنین عقب مانده و ستم دیده باشید بهشت کافر در این دنیا است و بهشت مؤمنین در آخرت است و خدا چنین خواسته است و... آنگاه دین برای طبقه محکوم چگونه است؟ اولاً: مایه تسلی است، به آنها می گویند هر چه در اینجا از دست دادی در دنیای دیگر به دست میآوری، غصه نخور... در این صورت همه (این حرفها که دین می گوید) برای این (است) که انقلاب نکن. پس باید تمام تعلیمات دینی در جهت تسلیم و تمکین و تسکین باشد (حتی احکام آن). اگر قضا و قدر است برای این است که بگویند آقا فایده ندار، مگر با قضا و قدر می شود جنگید؟ اگر برای احساس مغبونیت است می گویند جبران در عالم آخرت وجود دارد... [۴] شهید مطهری میفرماید:... (در این صورت) باید فرض کنیم که طبقه دیندار جاهل هم هست چون اگر جاهل نباشد زیر بار این جور تعلیمات نمی رود... و طبقه حاکم از جهل توده استفاده کرده و دین را اختراع کرده است [۵]. طبق این اندیشه است که مارکس می گوید: انسان سازنده دین است نه دین سازنده انسان... دین در عین حال بیانگر هلاکت واقعی و اعتراضی به آن فلاکت است، دین به منزله آ یک موجود مستأصل، قلب یک جهان سنگدل، و نیز روح هستی بیروح است. دین تریاک مردم است... [۶]

حال که دین یک امر روبنا حساب شده، تغییر و تحوّل و نابودی آن نیز به دست زیربنا (اقتصاد) است. آندره پیتز در مارکس و مارکسیسم می نویسد: «پس کافی است مناسبات اقتصادی و مادی را تغییر داد، آنگاه دین خود به خود از میان خواهد رفت...» یعنی از ریشه دین باید با دین مبارزه کرد نه مبارزه مستقیم علیه آن... . مارکسیستها دشمنی خاصی با دین دارند و از جمله قوانین مارکسیستی مبارزه با دین است. لنین می گوید: مکتب مارکس همانا مکتب مادپرایی است از این لحاظ به همان اندازه... مادپرایی فوئر باخ با دین عناد دارد... بایستی دین را براندازیم این الفبای هر نوع مادپرایی

است... و لذا الفبای مارکس می باشد [۷] لنین می افزاید: ... مکتب مارکس دورتر میرود و مبارزه علنی با دین نمیکند (چون مارکس می گوید): باید دانست با دین چگونه مبارزه کرد. برای این کار باید منابع ایمان و دین تودها را با مفاهیم - مادپرگر توضیح داد... [۸] مارکسیستها بر این «باید» عمل کردند و همانطور که شهید مطهری (ره) در «علل گرایش مادپرگری» متذکر شده، یک تفسیر مادی برای قرآن نوشتند و شهید مطهری در کتاب مذکور نقدی بر نمونه های فراوان این تفسیر ذکر میکنند.

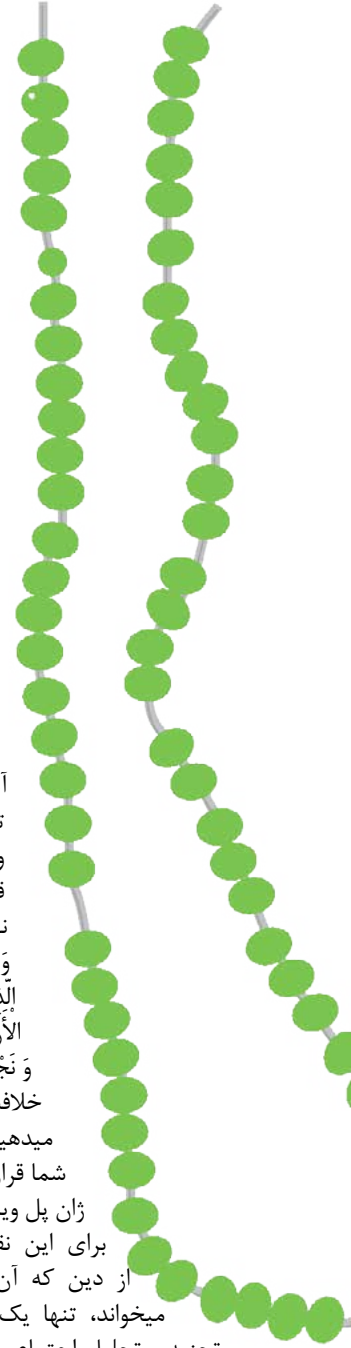
خلاصه اینکه مارکسیستها برای رسیدن به مقصود خود یعنی ایجاد جامعه سوسیالیستی (کمونیستی)، با دین دشمنی دارند و لذا آن را تحریف میکنند.

نقد و بررسی مختصر این نظریه برخلاف نظر مارکسیستها که ادیان را تخریب کننده ملت و جوامع دانستند، ادیان مضامین و تعلیمی ضد تخریبی دارند و عامل جنبش هستند... تعلیماتی در ادیان مثلاً در اسلام - پیدا می شود در جهت خلاف، یعنی تعلیماتی در جهت انقلابی، نه تنها دین از میان طبقه حاکمه بروز نکرده، بالاتر از آن، خواه از میان طبقه طبقه دیگر، در جهت منافع طبقه محکوم و دعوت به ثوره و انقلاب است [۹]. خود وجود منطق شهادت در بعضی ادیان بویژه اسلام خود دلیل انقلابی بودن دین است. دینی که از کشته شدن نمپهراسد از قیام در برابر ستم ابایی ندارد. شهید مطهری (ره) می گوید: نقاط ضعف این نظریه یکی مربوط به تاریخ ادیان است، یعنی تاریخ ادیان نشان میدهد که از قدیمترین ایام که بشر بر روی زمین بوده است، از همان دوره های که اینها آن را دوره اشتراک اولیه می نامند، آثار پرستش وجود دارد «مارکس مولر» حتی معتقد است که برخلاف نظریه معروف که می گویند دین، اول از پرستش طبیعت و اشیاء و بتپرستی و ارباب انواع شروع شده و بعد رسیده به پرستش خدا یگانه واحد، دیرینه شناس ثابت کرده - ثابت هم میکند - که از قدیمترین ایام، پرستش خدای یگانه وجود داشته است.

... ثانیاً این دورههایی که دوره طبقاتی است مثلاً دوره فئودالیسمها باید ضرورتاً قبول کنیم که آورنده و پیروان اولیه تمام ادیان (طبق نظر مارکس) از طبقه حاکمه بوده اند این نیز با تاریخ قطعی و مسلم ادیان جور در نمیآید، با تاریخ مسیحیت هم جور در نمیآید، با تاریخ

یهود و بنی اسرائیل هم جور در نمیآید... موسی (که خود از بنی اسرائیل است) گو اینکه فرزند خوانده فرعون است در خانه فرعون در ناز و نعمت فراوان بزرگ شده... در خانه فرعون علیه فرعون و به سود طبقه استثمار شده فرعون قیام میکنند این دیگر به هیچ وجه توجیه مارکسیستی ندارد. یا باید ریشه قومی و نژادی و خونی برای این امر قایل شویم که به هر حال (باز هم) یا مارکسیسم جور در نمیآید، چون اینها اصلاً تاریخ را جدال طبقات میدانند نه جدال خونها... [۱۰] به علاوه اینکه اینها می گویند دین را طبقه حاکمه وضع کرده است. اگر بگوئیم موسی از طبقه استثمار شده است با این نظریه نمی سازد که دین را طبقه حاکمه وضع کرده اند و اگر بگوئیم از طبقه حاکمه است پس چرا علیه طبقه حاکمه دین درست کرده است چون طبقه حاکمه به نفع خود دین میسازند (طبق نظر مارکسیستها) این نیز یک انتقاد مهم به این نظریه.

باید بگوئیم که دین یهود را در دستگاه حاکمه وضع کرده اند برای تسلیم و تمکین در قوم بنی اسرائیل، در صورتی که دین یهود



آمد برای تحریم و تهییج بنی اسرائیل و وادارشان کرد به قیام... خود اسلام نیز چنین دینی است وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ [۱۱]

خلافت زمین را به شما میدهیم و زمین را ارث شما قرار میدهیم... [۱۲]

ژان پل ویلم چنین می نویسد: برای این نقد سیاسی مارکس از دین که آن را «افیون ملتها» میخواند، تنها یک پاسخ وجود دارد. تجزیه و تحلیل اجتماعی - تاریخی آثار دین در جوامع بشری، چنین تجربه و تحلیل نشان میدهد که، بخصوص در زمان خود مارکس، دین در خدمت بقای دولت (ضامن بقای تأسیسات حکومتی) و نیز طبقات مرفه جامعه بوده است و سخنرانها و مواعظ و خطابه های کشیشان گوناگون، کارگران را در جهت قبول و رضایت دادن به سرنوشت موجود خویش! (یعنی تن دادن به قضا و قدر) ترغیب میکرد... [۱۳] علامه محمدتقی جعفری در ذیل همین مطالب می نویسد: علاوه بر نقد خود مؤلف از این نظریه، باید گفت خود ماهیت دین «افیون ملتها» نیست بلکه این انسان است که برای اشباع خودخواهیها و خودکامگی ها همه حقایق را به سود خود مسخ میکند (همان کاری که کشیشان در غرب کردند). [۱۴] علامه جعفری می افزاید:... اینگونه جامعه شناسان، (اگر بگوئیم مارکس جامعه شناس بوده) که می خواهند ماهیت دین و کاربرد آن را از دیدگاه علمی مشخص نمایند گویا جامعه و کشوری غیر غرب سراغ ندارند! [۱۵]

این همان نکته ای است که مارکس رعایت نکرده و سر در لاک خود کرده و نظریه های را اختراع کرده و بعد دیده است که این نظریه طبق جامعه آسیایی درست در نمی آید. جامعه هایی که مهد تمدن و دین بوده است و میبیند که برخلاف نظریات او دین مایه رشد و تمدن ساز عظیم است مثلاً دینی مثل اسلام به شدت رو به گسترش است و شور و هیجان انقلابی دارد و لذا چارهای جز عقب نشینی - محدود داشته است می گویند وقتی چنین شد از بس کورکورانه مریدان خودش را بار آورده بود حتی آنها نیز حاضر به پذیرش افکار وی نبودند چون میگفتند این نظریات اخیر تو درباره جامعه خلاف تعلیمات توست و او می گفت من مارکس هستم ولی ماکسیست نیستم یا من به اندازه شما ماکسیست نیستم کمی سردتر هستم. این همه یک طرف و اینکه مارکس هیچگاه دلیل محکمی بر این نظریات خود نداشت از طرف دیگر مایه سستی این حرف او درباره دین می باشد او با جبر می خواست حرف هایش را به کرسی بنشاند. خلاصه آنکه از منظر اسلام دین امری فطری است و ریشه در سرشت آدمی دارد و پیامبران از سوی خدا برای آبیاری این نهال آدمی آمده اند نه اینکه آنرا برای منافع خود ساخته باشند و لذا دین حالت شور و انقلاب و امید و قیام بر علیه ستم و ستمگران و خواهان عدالت و آزادی است نه افیون ملتها.

مراجع:

- [۱] - مکارم شیرازی، ناصر، انگیزه پیدایش مذهب، ص ۱۳.
- [۲] - گاهی به پنج دوره نیز تقسیم کرده اند، که بعد از دوره اول و دوره شکار و کشاورزی بعد مالکیت.
- [۳] - مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۵۷۷.
- [۴] - مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۵۷۷.
- [۵] - مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۳، ص ۵۷۸.
- [۶] - آندره پیتز، مارکس و مارکسیسم، ص ۲۶۲.
- [۷] - مارکس و مارکسیسم، ص ۲۸۱.
- [۸] - همان، ص ۲۸۱.
- [۹] - مجموعه آثار، همان، ج ۳، ص ۵۷۷.
- [۱۰] - مجموعه آثار، ج ۳، ص ۵۷۸-۵۸۱.
- [۱۱] - قصص: ۵.
- [۱۲] - مجموعه آثار، همان، ج ۳، ص ۵۸۱-۵۸۰.
- [۱۳] - جامعه شناسی ادیان، ص ۸.
- [۱۴] - ژان پل ویلم، جامعه شناسی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، نقد و بررسی علامه محمدتقی جعفری، ص ۷-۸.
- [۱۵] - همان.



# راه را باید رفت!

ما آن دهنده ای هستیم که باید برسیم به خط برد. دائم باید بدویم... بنابر چشم انداز، ایران باید از کشورهای دیگر در منطقه از لحاظ فناوری و ... جلوتر باشد. شما خیال می کنید کشورهای دیگر همین طور ایستاده اند که ما جلو بریم، آنها حرکت نکنند؟! آنها هم حرکت می کنند. مسابقه دوندگی است؛ مسابقه ی دو است. این راه را باید رفت. اگر وسط راه، همت من و شما سست شود، اگر امیدمان کم شود، اگر خیال کنیم آقا! فایده ای ندارد، خب نمی رسیم. من از این بیمناکم.

کار را کرده ایم.

یک نمونه از ایجاد یاس که من این را لازم است عرض کنم اشکال تراشی های غیر منطقی است. امروز شما ملاحظه کنید، متأسفانه راجع به اغلب تصمیمات دستگاه اداره کشور از سوی یک عده مخالف اشکال تراشی می شود، اشکال تراشی های غیر منطقی. ممکن است کسانی که این کارها را می کنند، نداند چه تاثیر سویی این کار دارد.

پیشرفته علمی که دویست سال است دارد کار می کند فاصله داریم. این فاصله ها را به رخ می کشند و می گویند آقا چطور می خواهید اینها را طی کنید؟ مگر می شود؟ جوان محقق و پژوهشگر ما را با این کار مایوس می کنند. من می گویم بله می شود. چرا نمی شود؟ ما هم از دانش دیگران استفاده می کنیم و پا را یک قدم بالاتر می گذاریم، کما اینکه این

چند مانع اصلی در راه فرایند اعتماد به نفس و به ثمر رسیدنش وجود دارد که ما باید متوجه این سه رخنه باشیم. این سه رخنه می تواند فرایند اعتماد به نفس ملی و منتهی شدن آن به پیروزی های پی در پی و رسیدن به آرمان ها را مخدوش کند. **اول ایجاد یاس است:** تیره کردن افق و به رخ کشیدن فاصله علمی. این واقعیتی است، ما از لحاظ علمی امروز با دنیای

## عاشورا، زیارت اربعین، ظهور

محمد خلیج امیرحسینی،  
عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران

می گیرد چرا که متناسب با وضعیت هر فرد، وضعیت مشابهی در کاروان ایشان وجود دارد.  
۲- از آنجا که سپاه حضرت حجت (عج) فراملیتی خواهد بود، باید افراد سپاه بطور طبیعی یکدیگر را درک کنند و با هم احساس غریبی نکنند. باید سپاهیان عرب و عجم و ترک و لاتین از کشورهای مختلف به یکدیگر احترام بگذارند و با هم همدل و یکرنگ باشند و با نقاط ضعف فرهنگی و اجتماعی هم کنار بیایند

آنها در یاری امام زمان خود بود و البته هر کدام دارای رسالتی مشخص بودند. بعنوان مثال رسالت حضرت علی اصغر (ع) افشای قساوت و سنگدلی دشمن و بر ملا نمودن نامسلمان بودن دشمن نزد افراد مردد و حیران می تواند باشد و رسالت جناب حرا اعلام باز بودن راه توبه و پیوستن به راه حق برای گناهکاران است. این ویژگی ممتاز جامع الحالات بودن قیام امام حسین (ع)، هرگونه بهانه ای را از هر کسی برای حرکت در مسیر ایشان

۱- یکی از ویژگی های قیام امام حسین (ع) این بود که در کاروان ایشان همه حالات و وضعیت های انسانی وجود داشتند. هم مردان و هم زنان، از طفل شیرخواره گرفته تا کودک، نوجوان، جوان، میان سال و سالخورده، هم مجرد و هم متاهل، هم غنی و هم فقیر، هم دارای شان اجتماعی بالا و هم پایین، هم سالم و هم مریض، هم زود آمده و هم دیر آمده و حتی گناهکار. فصل مشترک همه این افراد، اخلاص بالای





دولتی در رده های مختلف که بناست در هر زمینه ای از جمله در این زمینه هایی که شما می گوید، فعالیت کنید، امیدوار باشند که می توانند پیش بروند و می توانند به نقطه مطلوب برسند. نوع بیان را نوعی نکنید که معنایش حاکمیت فضای فضای یاس بر تحرک باشد. نه هیچ جای یاس و نومییدی نیست و پیام یاس آلود هم به نظر من جایی ندارد.

بیانات مقام معظم رهبری در سال ۸۳

کسانی هستید که باید اساتید را برای این کار بسیج و فعال کنید، به آنها امکانات بدهید، باور کنید که این ها می توانند و فراخور این باور، برایشان کار کنید، برنامه ریزی کنید، بستر سازی کنید. اساتید توجه کنند که کیفیت بیان را یاس برانگیز نکنید، یعنی مراقب باشید که فضا یاس آلود نشود. عزیزان من همه چیز به امید متکی است یعنی بایستی شما و مسئولان دانشگاه های کشور مسئولان

این همان ایجاد یاس است، یعنی نقطه مقابل اعتماد به نفس. این حالت ایجاد خودباختگی و انفعال و خود کم بینی است. خیلی از کسانی که در این میدان ها تلاش می کنند فعالیت می کنند متاسفانه نمی فهمند و توجه ندارند که تاثیر کارشان چیست.

یاس پراکنی خیلی بد است. **مخاطبان حقیقی این سخن اساتیدند و شما آقایانی که مدیران مراکز آموزشی هستید،**

که ظهور حضرت حجت (عج) از مسیر قیام امام حسین (ع) می گذرد، بی تردید راهپیمایی اربعین مصداق بارز آن است. در واقع راهپیمایی اربعین فراهم کننده شرایط تشکیل سپاه حضرت حجت (عج) و زمینه ساز ظهور ایشان خواهد بود. امید آن است با گسترش کمی و کیفی راهپیمایی اربعین، به زودی زود شاهد ظهور حضرت باشیم. انشاءالله.

(ع) دارای همان ویژگی جامع الحالات است. همه و همه در آن حضوری خالصانه دارند. ثانیا در این راهپیمایی آشنایی و درک بالایی بین ملل و اقوام مختلف شکل می گیرد و به محبت و همدلی بین آنها منجر می شود. این محبت ها، از خود گذشتگی ها، بذل و بخشش های مالی و جانی و مهربانی ها به گونه ای هستند که گویا در مسیر و زمان راهپیمایی اربعین، ظهور صاحب الامر (عج) رخ داده است. ثالثا اگر قبول داشته باشیم

و آنها را پوشش دهند. باید همه اقشار و قومیت های مختلف سپاه به یکدیگر محبت کنند و یکدیگر را به رسمیت بشناسند. به نظر می رسد اینها شرایط طبیعی و قهری شکل گیری سپاه حضرت حجت (عج) باشند که با تحقق آنها فقط باید منتظر ظهور فرمانده بود.

۳- راهپیمایی زیارت اربعین، حماسه ای الهی و بی نظیر در تاریخ است. حماسه ای که محور آن امام حسین (ع) است. اولاً این راهپیمایی همانند قیام امام حسین





# قطره ای از سبک زندگی اسلامی

دریافتی از آموزه های امام رضا (ع) - شماره ۱

فصل اول: «ارتباط با خدا» (۲)

نوشته یکی از اعضای هیات علمی دانشگاه علم و صنعت

در نوشتار پیش، اولین بخش از فصل عبادات و ارتباط با معبود را در سیره حضرت رضا آغاز کردیم. متن حاضر دومین بخش از همین سری مطالب است که در ادامه در قالب پاسخ به برخی سوالات ارائه می شوند.

## • سیره حضرت امام رضا (ع) درباره نماز اول وقت چگونه بود؟

عذر به تاخیر نینداز و اول وقت نماز را به پا دار. ابراهیم نیز بی درنگ برخاست و اذان گفت و نماز اول اقامه شد (راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۳۳۸). این رویه فراگیر و در هر زمان و مکان جاری بود و گفتگوهای پر شور علمی و محافل ارشاد و وعظ نیز آن را استثنا نمی کرد. یکی از نشست های مناظره و بحث امام رضا (ع) با عمران صابی در جریان بود. او از دانشمندان بزرگی بود که درباره توحید با امام رضا (ع) گفتگو می کرد. در این جلسه که مامون نیز حضور داشت، امام سوالات عمران را با حوصله

ایشان می فرمودند: «آن لکل صلاه وقتین اول و آخر، فأول الوقت رضوان الله و آخره عفو الله، بدان که هر نمازی دو وقت دارد، اول و آخر وقت. خشنودی خدا در اول وقت و آخر وقت، بخشش پروردگار است» (فقه الرضا، ص ۷۱).  
در سیره امام رضا (ع) پافشاری بر نماز اول وقت آشکار بود. روزی در خراسان و به هنگام نماز، به ابراهیم بن موسی فرمودند: «اذان بگو». او از امام رخصت خواست تا همراهان نیز فرا برسند. حضرت فرمودند: «خدا تو را بیامرزد. نماز اول وقت را بدون

در نگاه پیامبر (ص) نماز اول وقت، محبوب ترین کار نزد خداوند است. حضرت می فرمودند: «هر گاه نماز در وقتش خوانده شود، به طرف آسمان بالا رود، در حالتی که همچون نور می درخشد و درهای آسمان برای نماز باز شود تا اینکه به عرش برسد. سپس برای نمازگزار شفاعت کند و می گوید خدا حافظ تو باشد آن گونه که در توجه و حفظ من کوشیدی» (دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۹۰). حضرت رضا (ع) بر نماز اول وقت بسیار پای می فشرد و تاخیر آن را بدون عذر روا نمی دانستند.

روزی در خراسان  
و به هنگام نماز، به  
ابراهیم بن موسی  
فرمودند: «اذان  
بگو». او از امام  
رخصت خواست  
تا همراهان نیز فرا  
برسند. حضرت  
فرمودند: «خدا تو  
را بیمارزد. نماز  
اول وقت را بدون  
عذر به تاخیر  
نینداز و اول وقت  
نماز را به پا دار.»  
ابراهیم نیز بی  
درنگ برخاست و  
اذان گفت و نماز  
اول اقامه شد.

سیره امام رضا (ع) نیز انجام دادن سجده طولانی بود. حضرت رضا (ع) به سلیمان جعفری فرمودند: «باد شدیدی وزیدن گرفت و من در سجده بودم. هر کسی به دنبال جایی بود که خود را از باد در امان نگاه دارد، لکن من همچنان در سجده بودم تا باد فرو نشست» (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۷).

#### • امام رضا درباره نماز جماعت و اهمیت آن چه نظری داشتند؟

حضرت برتری نماز جماعت بر نماز فرادا را به ازای هر رکعت از جماعت، دو هزار رکعت فرادا می‌دانستند و بر اهمیت امام جماعت تأکید داشتند و می‌فرمودند: «و لا تُصَلِّ خَلْفَ فَاجِرٍ و لا تَقْتَدِ الاَّ بِأَهْلِ الْوَلَايَةِ؛ و پشت سر تبهکار نماز به جای نیاور و جز بر امامی مذهب اقتدا نکن»

#### آنان نیز پایبندی بر انجام دادن آن بود؟

سجده را جان بندگی و وسیله قرب به خدا دانسته‌اند. سجده فرار از همه اغیار است و اقبال کامل به پروردگار. همان گونه که امام صادق (ع) فرمودند: «پروردگار معنی سجده را سبب نزدیکی و قرب به خود قرار داده است که به دل و جان و به جمیع حواس و قوا متوجه او باشند» (مصباح الشریعه، ص ۱۲۳).

امام رضا (ع) نیز نزدیک‌ترین حالت بنده به خداوند را زمانی می‌دانستند که او برای خدا سجده کند (کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۶۴). در همین راستا می‌فرمودند: «یکی از زیباترین ارکان نماز، سجده است که این رکن در نماز و حتی در غیر آن، نزدیک‌ترین حالت آدمی به خداست» (طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۱۶).

و متانت و بیان استدلال‌های روشن پاسخ می‌دادند و او را به سوی توحید و یگانگی خدا رهنمون می‌کردند. هنگامی که بحث و مناظره به اوج خود رسید، وقت نماز شد و حضرت رضا (ع) نگاهی به مامون کردند و فرمودند: «وقت نماز فرا رسید». عمران صابی که به حقایقی دست یافته بود، از امام چنین درخواست کرد: «آقای من، گفتگو و پاسخ‌های خود را قطع مکن. دل من آماده پذیرش سخنان شماست». حضرت رضا فرمودند: «نماز را می‌خوانیم و دوباره به گفتگو ادامه می‌دهیم». آنگاه امام و همراهان به اقامه نماز مشغول شدند و پس از آن، به مناظره با عمران ادامه دادند (صدوق، توحید، ص ۴۳۵).

#### • چرا پیشوایان و معصومان بر سجده کردن سفارش می‌کردند و سیره عملی

(تحف العقول، ص ۴۱۷).

امام در پاسخ به این پرسش که چرا نماز به جماعت قرار داده شده است؟ به حکمت نماز جماعت اشاره می‌کنند: «برای آنکه اخلاص و توحید و اسلام و عبادت پروردگار علنی و ظاهر و مشهود و آشکار باشد، زیرا که در اظهارش حجت است بر اهل شرق و غرب برای خداوند عز و جل و برای اینکه منافق (آنکه به نماز اهمیت نداده و آن را کوچک شمارد) ناچار بدانچه به آن اقرار کرده، در ظاهر ادا کرده باشد و نماز اسلام را در میان جمعیت مسلمین به جای آرد و مراقب باشد تا که شهادت مسلمانان و پاره‌ای دربار پاره دیگر ممکن باشد، با فواید دیگری که در نماز جماعت مسلم است؛ مانند رسیدگی به بینوایان و یاری درماندگان، نیکوکاری و پرهیز از معاصی و پیشگیری از وقوع بسیاری از گناهان و مناهی خداوند عزوجل که به وسیله نماز جماعت می‌توان آنها را زائل ساخت» (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۰۹).

**• چرا برای طهارت باید وضو گرفت و برای چه به این شیوه خاص انجام می‌شود؟**

فضل بن شاذان در ضمن روایاتی که از حضرت رضا (ع) نقل می‌کند، گفته است:

«اگر کسی بپرسد چرا مردم باید وضو بگیرند و برای چه این امر در اسلام واجب شده است؟ در جواب گفته می‌شود برای اینکه هرگاه بنده‌ای می‌خواهد در مقابل پروردگار مناجات کند باید پاک و پاکیزه باشد و از چرک و آلودگی خود را تمیز نماید و کسالت و سستی را از خود دور سازد و با دل پاک و آرام در برابر خداوند قرار گیرد. اگر کسی بپرسد چرا در وضو، شستن دست، پا، سر و صورت واجب شد، در پاسخ او گفته می‌شود هرگاه بنده‌ای در برابر خداوند قرار گیرد، اعضا و جوارحی که از وی ظاهر می‌شود، همان‌هاست که در هنگام وضو شسته شده‌اند. زیرا نمازگزار با چهره خود سجده می‌کند و خضوع و خشوع می‌نماید و با دست خود از خداوند چیزی طلب می‌کند و با سرش به رکوع و سجود می‌رود و با پاهایش بر می‌خیزد و می‌نشیند. اگر کسی بپرسد چرا شستن فقط مخصوص دست و صورت شده و به سر و پا مسح مقرر شده است؟ و چرا نباید همه اعضا و جوارح را شست یا همه را مسح کشید؟ گفته می‌شود که این دستورات روی غل و جهاتی وضع شده‌اند:

۱. عبادات بزرگ رکوع و سجود هستند و این دو عمل با دست و صورت انجام می‌گیرند و سر و پا در آن دخالتی ندارند.

از این رو شستن آنها لازم نشده است. ۲. مردم قدرت ندارند در هر وقت سر و پاهای خود را بشویند و در هنگام سفر یا سردی یا کسالت و مرض، بر آنها شستن بسیار سخت می‌شود و در شب و روز انجام آن مشکل است، ولیکن شستن دست و صورت از آن سبک‌تر است. فرائض و واجبات به اندازه استعداد و توانایی ضعیف‌ترین مردم تشریح شده است و بعد همه مردم از ضعیف و قوی و سالم و مریض باید آن دستورات را به کار بندند و به آن عمل کنند. ۳. صورت و دست بر عکس سر و پا همیشه اوقات آشکار نیستند. اگر کسی بپرسد چرا وضو فقط در صورت خروج بول و غائط یا خواب واجب شده است و در سایر حالات این امر مقرر نشده است؟ گفته می‌شود که نجاست از انسان فقط از این دو محل خارج می‌شود و در انسان جای دیگری نیست که از آن نجاست بیرون رانده شود. از این رو دستور داده شده است که هرگاه از انسان نجاست بیرون شد، باید وضو گرفت» (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۰۴).





## نامه دانشجویان بورسیه به قوه قضائیه

به گزارش خبرگزاری دانشجویان بورسیه، جمعی از دانشجویان بورسیه در نامه‌ای خطاب به قوه قضائیه اعلام کرده‌اند که: طبق اخبار واصله، قرار است ا. غ. مدیرکل اسبق بورس و امور دانشجویان خارج وزارت علوم (استاد دانشکده برق علم و صنعت)، به عنوان رایزن علمی ایران در کشور روسیه منصوب شود. با توجه به اینکه ایشان از متهمان اصلی ماجرای غلط، غیراخلاقی و غیرقانونی بورسیه‌ها و از عوامل اصلی ظلم به دانشجویان بی‌گناه بورسیه بوده است، لازم دیدیم نسبت به خروج ایشان از کشور اطلاع لازم را به مسئولان ذیربط اعلام کنیم. در ادامه این نامه آمده است: با توجه به اینکه هنوز قوه قضائیه ورود عملی به پرونده نداشته است و اتهامات ایشان در موارد مختلف از جمله تهمت، افترا، نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی و توهین به دانشجویان بورسیه، انتشار اسامی دانشجویان بورسیه، ارائه اطلاعات غلط به مسئولان عالی‌رتبه نظام و ظلم به دانشجویان بورسیه، هنوز در محاکم صالحه قضایی بررسی نشده است، همچنان شکایت دانشجویان بورسیه در مرحله دادرسی است لذا مستعدی است تمهیدات لازم برای جلوگیری از خروج ایشان، اندیشیده شود.



## درگذشت یک فرهیخته

با کمال تأسف و تأثر استاد فرهیخته جناب آقای دکتر عباس‌نیا عضو هیئت علمی و رئیس دانشکده عمران دار فانی را وداع گفتند. تعداد قابل توجهی از دانشجویان در مراسم تشییع ایشان شرکت نمودند. یکی از محسنات ایشان، شرکت مستمر در نماز جماعت دانشگاه و توزیع گل‌های معطر بین نمازگزاران بود. خداوند غریق رحمتش بفرماید. برای شادی روحشان بخوانیم فاتحه مع‌الصلوات.

## آشوب هتاک اول

هتاک اول که حکم اخراجش معلق نگاه داشته شده است، مجدداً دانشگاه را ملتهب نمود. او که قریب به دو سال است با ارسال ایمیل‌های مسموم، به آرمان‌ها و ارزش‌های دینی حمله می‌کند و دین و دین‌داری را به سخره می‌گیرد، در دو سه ایمیل آخر خود پایش را بسیار فراتر از حدود گذاشت. در یکی از ایمیل‌ها با انتساب مطلبی کذب به آیت‌الله خواجه نصیرالدین طوسی، به دین اسلام انواع تهمت‌ها از قبیل آزاد بودن دروغ و غیبت و قتل و تجاوز نسبت به غیرمسلمانان زد. در ایمیل آخر خود نیز که در روز ۲۸ صفر (۱۹ آذر) ارسال نموده بود، دین را مایه همه گرفتاری‌ها و مشکلات معرفی نمود. روز ۲۳ آذر، دانشگاهیان در مسجد دانشگاه و روز ۲۴ آذر، دانشجویان در دانشکده برق دست به اعتراض نسبت به اقدامات وی زدند. همچنین شکایاتی از وی به رئیس دانشگاه داده شد. وی که اوضاع را جدی دید، بلافاصله پس از مشاهده اعتراضات، اعلام نمود که ایمیل آخرش را که پنج روز پیش ارسال شده است، خودش ارسال نکرده و به درستی اعلام نمود که هر کس آنرا ارسال نموده فردی مزدور و فرصت‌طلب بوده است. حال سوال این است که ریاست دانشگاه که برای مسائلی همچون مشکلات اساتید جوان، انواع و اقسام قوانین را از زیر سنگ هم شده پیدا می‌کنند، آیا برای برخورد با هتاکان معدودی که مدت مدیدی است با توهین به مقدسات اذهان دانشگاهیان متدین را مشوش می‌کنند قانونی را سراغ ندارند؟ آیا ایشان نمی‌دانند که قوانین متعددی از جمله تبصره ۳ ماده ۲ آئین‌نامه تشکل‌های اسلامی، رئیس دانشگاه را راساً موظف به جلوگیری از موارد خلاف شرع و انقلاب نموده است؟ آیا باید همواره کار به جاهای حساس و باریکی برسد و اعتراضات غیرتمندانه شروع شود تا شاید اقدامی صورت دهند؟ آیا باید همانند موارد قبلی، این بار هم اشخاص حقیقی و حقوقی در عوض رئیس دانشگاه از این هتاک شکایت می‌کردند؟ در این راستا بد نیست اشاره‌ای هم به ایمیل‌های فردی بازنشسته که مدتهاست انواع توهین‌ها را منتشر می‌کند و اخیراً هم ایمیل‌های هتاک اول را تحسین و به معترضان توهین آشکار نموده است، شود. دانشگاهیان تاکنون به حرمت سن و سال وی صبوری داشته‌اند ولی آیا وظیفه ریاست دانشگاه تنها نظاره‌گری بر صبر و نهایتاً غیرت و خروش دانشگاهیان باید باشد؟

## تبلیغات ضد فرهنگی با نام دانشگاه

مدتی است از طرق مختلفی همچون ایمیل اساتید و سلف اساتید، تبلیغات فروش کالاهای شرکتی با نام "آریا مارت" صورت می‌پذیرد. در سایت این شرکت، ضمن تبلیغ کالاهای خارجی همچون لباس ترک، به طرز ناشایستی از تصاویر خانم‌های بی‌حجاب استفاده شده است. با کمال تأسف، این شرکت از همکاری و ارتباط رسمی با دانشگاه علم و صنعت ایران برخوردار است. از ریاست دانشگاه انتظار می‌رود که موضوع را بررسی و دستور توقف همکاری داده شود. البته اطلاعات قابل تاملی در خصوص صاحبان علم و صنعتی این شرکت بدست آمده است که پس از تکمیل در اختیار دانشگاهیان عزیز قرار خواهد گرفت.

## قانون‌گرایی در شعار و عمل

مدتی است که به بعضی از اساتید دانشگاه بطور غیر قانونی اختصاص درس داده نشده است. درس‌های نیم‌سال بعدی نیز در حال تخصیص است و متأسفانه باز هم به این اساتید درسی داده نشده است. این در حالی است که طبق احکام صادره برای هتاکان و بویژه هتاک دوم، آنها باید معلق از کسوت استادی باشند و درسی نداشته باشند. حال سوال از ریاست دانشگاه که همواره شعار قانون‌گرایی می‌دهند آن است که این تناقضات خلاف قانون را چگونه جواب خواهند داد؟

## پایان دوره انتقادها!!

اخیرا جناب آقای روحانی فرموده‌اند که دیگر دوران نقد و انتقاد در زمینه برجام پایان یافته است. این فرمایش به گونه‌ای است که گویا قبل از این انتقاد از برجام آزاد و پسندیده بوده است. یادمان نرفته است که اولاً به انتقاد معدود افرادی که شجاعت انتقاد داشتند اعتنائی نمی‌شد و ثانیاً دولت و بویژه شخص ایشان چه توهین‌ها و تهمت‌هایی را نثار منتقدین نمی‌کردند. بی‌سواد، بی‌شناسنامه، کاسبان تحریم، بروید به جهنم و .... البته باز هم می‌گوییم: روحانی مچکریم.

## جلسه تک صدائی در دیدار آقای وزیر

در ماه گذشته، جناب آقای دکتر فرهادی وزیر محترم علوم دیداری از دانشگاه داشتند. متأسفانه ریاست دانشگاه به جای آنکه شرائطی را فراهم کند تا سخن همگان به گوش ایشان برسد، در جلسه شورای دانشگاه تنها از نمایندگان شورای صنفی دانشگاه و کانون موسوم به صنفی اساتید دعوت بعمل آورده بودند. این کار غیر اخلاقی باعث اعتراض تشکل‌ها و حتی برخی اعضاء شورای دانشگاه شد. جالب آنکه نماینده این تشکلهای نور چشمی باز هم طلبکار بوده‌اند و از تک‌صدائی بودن دانشگاه انتقاد کرده‌اند.

## شاخص سلامت ارتقاءها

در یک و سال و نیم اخیر، شاخص سلامت مدیریت دانشگاه در ارتقاء اساتید جای تامل جدی دارد؟ نسبت ارتقاء مدیران و باوران خاص ریاست دانشگاه به کل ارتقاءها حدود هفتاد درصد است! در این مدت کوتاه، تقریباً همه آنها به سرعت ارتقاء یافته‌اند و عنقریب دور دوم ارتقاء آنها شروع خواهد شد. حتی اخیراً مدیری را که پس از بیست و پنج سال به دلیل ضعف علمی و نداشتن پایان نامه دکتری ارتقائی نداشته است را هم ارتقاء داده‌اند! فعلاً فقط ارتقاء هتاکان اول و دوم و دومین ارتقاء آقای خاص به سرانجام نرسیده است که آن هم به دلیل بند فرهنگی آئین‌نامه ارتقاء است که البته به یمن تغییر بند فرهنگی در آئین‌نامه جدید توسط دولت تدبیر و امید، این سه ارتقاء هم در اسفند ماه انجام خواهند شد. اینها همه در حالی هستند که ارتقاء بعضی افراد دارای پرونده‌ای قوی، از جمله یکی از اساتید جوان، به بهانه‌های واهی در مسیر رسیدن به جلسه هیئت ممیزه بلوکه شده است.

## دور زدن برجام

از ابتدای شروع مذاکرات، کدخدا دهها تحریم جدید را علیه کشورمان تصویب کرد و مقامات دولت تدبیر و امید فقط به ادای عبارت معروف "با روح توافقات در تعارض است" بسنده کردند. با توجه به شناختی که از کدخدا در طی دهها سال اخیر است، هر فردی با ضریب هوشی متوسط انتظار داشته که کدخدا شروع به دور زدن برجام در مرحله اجرای آن هم بنماید. در طی چند هفته انواع و اقسام قطعنامه ضد ایران و محور مقاومت را طراحی و تصویب نمود و بنازگیطرحی تحقیرآمیز در مورد صدور ویزا را تایید نمود. طرح جدید که در واقع تحریمی نو بشمار می‌رود به تایید مسروانه اوبامای فہیم و مودب رسید. دولت تدبیر و امید در عوض انجام اقداماتی عزتمندانه لاقبل بر اساس متن خود برجام، مجدداً متوسل به خواهش و درخواست از کدخدا شد که نتیجه آن فقط دریافت نامه‌ای ترحم‌گونه از طرف جناب مستطاب کری بود که صرفاً حاوی عباراتی مبہم و فریبکارانه همچون "ابزارهایی داریم" و "منافع مشروع ایران" است. این بدان معنا است که اگر در مورد خاصی، کدخدا مصوبه خود را اجرا نکند، ما نباید آنرا نتیجه اجرای برجام بلکه نتیجه لطف کدخدا ببینیم. مجدداً می‌گوییم: روحانی مچکریم.

## کشتار شیعیان نیجریه



با کمال تاسف، صدها تن از شیعیان مظلوم نیجریه توسط ارتش این کشور به طرز فجیعی به شهادت رسیده و رهبر آنها زخمی و بازداشت شد. این فاجعه انتقامی بود که ائتلاف عربستان و رژیم صهیونیستی به زعم خود از این مظلومان گرفتند. شاه جاهل و جلاد عربستان بدون هیچ شرم و حیائی این فاجعه را تبریک گفت و سران کشورهای مدعی حقوق بشر از جمله جناب کدخدا و همچنین رسانه‌های داخلی عاشق آمریکا هم ترجیح دادند فقط سکوت کنند. واقعا شرم‌آور است. مگر جان و خون این بیگناهان و مردم پاریس با یکدیگر فرقی دارد؟ البته دشمنان احمق انسانیت نمی‌دانند که همین جنایاتشان باعث رشد اسلام ناب در اقصی نقاط جهان خواهد شد و انشاء... ظهور منجی عالم بشریت را نزدیکتر خواهد نمود.

## مراسم روز پژوهش یا روز کانون؟

چند سالی است که فضای مراسم روز پژوهش که معمولاً مورد استقبال اساتید محترم قرار می‌گیرد، به بهانه‌های مختلف محلی برای تبلیغ کانون غیر قانونی (ر.ک. به مقاله فعالیت غیرقانونی کانون در همین شماره) و افراد آن می‌شود. امسال، اعتراض به وزارت علوم در قرار نگرفتن نام دانشگاه علم و صنعت بین ده دانشگاه برتر کشور، بهانه‌ای برای این حرکت غیراخلاقی بود. البته این هم جدا جای سوال دارد که چگونه است که تبلیغ می‌شود که دانشگاه بر اساس شاخص‌های (تنها) یک سایت خاص، در بین تمام دانشگاه‌های صنعتی، پزشکی و انسانی رتبه اول را دارد ولی وزارت علوم بدون توجه به نظر آن سایت حاضر نشده است نام دانشگاه را حتی بین ده دانشگاه برتر کشور قرار دهد؟

## نشریه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و علمی بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران



مطالب منتشر شده در نشریه لزوماً موضع بسیج اساتید دانشگاه نیست.

نشریه نبا از هرگونه انتقاد، پیشنهاد یا مطالب ارسالی دانشگاهیان محترم به ویژه اساتید محترم استقبال می‌کند. جهت ارسال مطالب خود، آنها را به آدرس الکترونیکی [naba@iust.ac.ir](mailto:naba@iust.ac.ir) ارسال فرمائید.

صاحب امتیاز:  
بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران

مدیر مسئول: حسین صالح زاده  
سرمدبیر: محمد خلیج امیرحسینی